

تبارشناسی هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری با تاکید بر میزان پدیداری آنها در عرصه‌های عمومی

حمیده فروزانگهر* - دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
مصطفی بهزادفر** - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
فرح حبیب - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
سید احمد فیروزآبادی - استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Genealogy of qualitative social values of space's urban design with emphasis on public discourse

Public space provides social relations, social capital and cultural and social discourse. Public space is the category between social society and governmental policy and connects the public problem of people and public opinion about democracy and logical aspects. These public spaces contain the common phenomena like: equity, unity, and social justice in urban spaces. In the other hand, the Criteria of Environmental Quality in Urban Design is the major aspect of urban design and the best quality urban democracy. These papers have been benefited descriptive and analytical research method and other research method that specified logical argument. So, in this paper, have been constructed the major of public space's factors.

Keywords: public space, urban space, urban discourse, the Criteria of Environmental Quality

چکیده

امکان‌دهی به عرصه‌های عمومی در فضاهای شهری که موجب ایجاد ارتباط سازنده اجتماعی، تعاملات شهروندی مطلوب و افزایش گفت‌وگو، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در شهر می‌شود؛ یکی از اهداف و رسالت‌های طراحی شهری بشمار رفته و می‌رود. حوزه عمومی، حوزه‌ای واقع در میان جامعه مدنی و دولت است و فضای طرح آزاد مسائل عمومی و استدلال و تحقیق درباره آنها و نهایتاً تکوین اراده عمومی را تشکیل می‌دهد. عرصه عمومی، حوزه‌ای است که افکار عمومی در آن با بکارگیری خرد انتقادی و قضاوت عقلانی شکل می‌گیرد و به تنها منبع مشروعیت بخش به قوانین حاکم بر حیات اجتماعی مبدل می‌شود. پرسشهایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جز آن، تنها در حوزه عمومی هر جامعه خاص ممکن است پاسخ داده شده و مورد پذیرش و باور قرار گیرد. از سویی دیگر، کیفیت محیط از مهمترین رسالت‌های طراحی شهری بوده و هست و ایجاد التزام هنجاریابی بین مولفه‌های عام کیفیت محیط با پدیدار شدن آن در عرصه‌های عمومی نیز اهمیت مضاعفی در این میان دارد. این تحقیق در راستای دستیابی به تبارشناسی هنجارهای کیفی محیط در میزان پدیداری آنها در عرصه‌های عمومی شهر است. روش تحقیق «توصیفی و تحلیلی» و همچنین «روش استدلال منطقی» است که ابتدا با اجزای شرایط عرصه‌های عمومی، مولفه‌هایی بدست آمده و سپس با سایر مولفه‌های کیفیت محیط تطبیق داده شدند. در پایان نیز نتایج این استنتاج در قالب جدولی مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: کیفیت محیطی، فضاهای شهری، عرصه‌های عمومی، معیارهای کیفیت محیطی.

* این مقاله مستخرج از تحقیقات و مبانی نظری رساله دکترای شهرسازی نگارنده، با عنوان "تبیین معیارهای کیفیت محیطی در طراحی شهری با بهره‌گیری از ویژگیهای ادراکی شهروندان؛ نمونه موردی محلات تهران" می‌باشد که با راهنمایی آقای دکتر مصطفی بهزادفر و مشاوره خانم دکتر فرح حبیب و آقای دکتر سید احمد فیروزآبادی در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در دست انجام است و بدینوسیله مراتب سپاس خود را از اساتید راهنما و مشاور اعلام می‌دارد.

رایانامه: h_fouzangohar@hotmail.com

** نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۲۱-۷۷۲۴۰۵۴۰، رایانامه: behzadfar@iust.ac.ir

مقدمه

ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. در ضمن از روش «استدلال منطقی» در راستای هنجاریابی مولفه‌های کیفیت محیطی در عرصه‌های عمومی بهره برده است. همچنین در راستای تحقیق به منظور دستیابی به تبارشناسی هنجارهای کیفی محیطی با استفاده از روش دلفی و نظرات کارشناسی صاحب‌نظران نسبت به اعتبارسنجی مولفه‌های کیفیت طراحی در حوزه عرصه‌های عمومی اقدام شد؛ لذا ابتدا طی مطالعات جداگانه در حوزه عرصه‌های عمومی در آرای اندیشه‌های سیاسی، ویژگی‌های عمومی عرصه‌های زیست جمعی را مورد تدقیق قرار داده است. سپس، با تطبیق تمام مولفه‌های کیفیت محیطی با مولفه‌های حاصل از اندیشه ورزی عرصه‌های عمومی، دسته بندی دیگری از هنجارهای کیفی محیطی را مورد استنتاج قرار داده و میزان پدیداری زیست مطلوب مبتنی از عرصه‌های عمومی را در این زیر معیارها بر اساس درجه اهمیت، مورد توجه قرار داده است.

مفهوم فضای شهری

«فضای شهری» مفهومی عام و گسترده است که جنبه‌های مختلف فضا را شامل می‌شود. مفهوم فضای شهری و رای فضای باز و رهاشده بین ساختمان‌های شهری است. فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که بستر زندگی جمعی را فراهم می‌آورند. فضاهای عمومی شهری نقش مهمی در زندگی و حیات شهروندان بر عهده دارند. در جستجوی ماهیت فضا به معنای عام، دو دیدگاه ذهنی و عینی، فلسفی و علمی و یا کیفی و کمی قبل طرح هستند: «۱. دیدگاه اول، نگرشی کیفی است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه‌های زیباشناختی یا روان‌شناختی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛ و ۲. دیدگاه دوم، نگرشی کمی است که بیشتر چشم به جنبه‌های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات

عرصه‌های عمومی شهری فضایی است که امکان ایجاد مبنای دموکراسی را در فضاهای شهری فراهم کرده و گفتمان آزاد، آزاد اندیشی و ارائه نظرات متکثر را فراهم می‌کند؛ چنانچه از نظر فلسفی، هانا آرنهت حوزه عمومی را متضمن اعتماد به «نمود» می‌داند. وی به پیروی از نیچه بویژه در تبارشناسی اخلاق، تمایز افلاطونی بین نمود و بود را طرد می‌کند. به نظر آرنهت، نمود، عین واقعیت است و فراسوی نمود هیچ چیز نمی‌توان یافت. به نظر وی آنچه توسط دیگران و خودمان دیده یا شنیده می‌شود، واقعیت است. این امر باعث می‌شود تا همه مردم از راههای پنهان سیاست با خبر شوند و هیچ کس نتواند به خشونت متوسل گردد. عرصه‌های عمومی خشونت را لال و گنگ می‌داند، خشونت بدون استدلال صورت می‌گیرد. وقتی آرنهت عمل سیاسی را به عنوان سخنوری تعریف می‌کند، عملاً می‌خواهد همه چیز از راه استدلال و بیان حل شود. در صحنه نمایش یعنی همان حوزه عمومی هیچ چیز پنهان نیست و بنابراین هیچ رازی وجود ندارد. از سوی دیگر، طراحی شهری دارای رسالت ارتقاء معیارهای کیفیت محیطی است و این مهم، اصلی‌ترین رسالت طراحی شهری بشمار می‌رود. برآستی چه میزان معیارهای عام کیفیت محیطی با معیارهای امکان دهنده به ظهور عرصه‌های عمومی هماهنگی و التزام دارد و میزان پدیداری آنها در عرصه‌های عمومی تا چه حد ارزیابی می‌شود؟ این تحقیق بدنبال این مفهوم است که تبار هنجارهای کیفی محیطی در عرصه‌های عمومی چیست و معیارهای کیفیت محیط چه اندازه امکان پدیداری عرصه‌های عمومی را فراهم می‌کند. در ادامه به این مفاهیم اشاراتی می‌شود.

مواد و روشها

از آنجاییکه این تحقیق در مرحله اول، رویکردی «تبیینی - اکتشافی» دارد و جنبه تحلیلی آن در بعد ثانویه قرار دارد، روش تحقیق آن در حوزه مبانی نظری، روش «توصیفی - تحلیلی» است که از

عملکردی، فن آوری، اندازه ها و تناسبات و موضوعات این برخورد به شمار می روند. بر همین اساس شهر مقوله ای علمی می گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش گذاری است و به این اعتبار، لازم است به شهر و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی نگریسته شود.

معیارهای تشخیص فضای شهری عبارتند از: ۱. «امکان دسترسی عام»: امکان دسترسی همه مردم در همه اوقات و بدون هیچ محدودیتی به یک فضا؛ ۲. «مسقف نبودن»: مسقف نبودن در حقیقت یکی از معیارهای غرب در تعریف فضای شهری است؛ ۳. «دسترسی و حضور پیاده»: یکی از ویژگی هایی که می توان برای فضای شهری برشمرد، امکان حضور در فضا به صورت پیاده در آن است؛ ۴. «حضور فیزیکی»: در دوران ما که فضاهای مجازی برای تعاملات انسان ها روبه افزایش است، حضور انسان در فضا برای تعریف فضای شهری ضرورت دارد؛ ۵. «رایگان بودن»: یکی دیگر از شروط فضای شهری رایگان بودن حضور در آن است البته این عامل نمی تواند عامل مطلق در نظر گرفته شود؛ ۶. «عمومی بودن»: اصلی ترین ویژگی فضای شهری عمومی بودن آن می باشد. عمومی بودن به معنای آن است که اولاً همگان امکان ورود به آن را دارند و هیچ کس از حضور در آن منع نمی شود و دوماً عملکرد خاصی برای آن معلوم و مشخص نشده باشد؛ ۷. «ظهور تعاملات اجتماعی»: تعاملات اجتماعی از اصلی ترین عوامل برای تعریف فضای شهری است که بدون وجود آن نمی توان فضا را فضای شهری دانست (نقی زاده، ۱۳۹۰).

مفهوم محیط شهری

فرهنگ لغات فارسی معین، محیط را دربرگیرنده، احاطه کننده و جای زندگی آدمی معرفی می کند. جغرافیدانان و روانشناسان، پژوهشگران علوم اجتماعی و معماران تعاریف گوناگونی را برای محیط ذکر می کنند. اما به واقع، فضای اطراف، اصلی ترین معیار تعاریف محیط

است؛ بنابراین هر توصیف، تعریف یا تبیین ماهیت محیط باید با توجه به چیزی در اطراف ما باشد (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۸۵). در باب تقسیم بندی انواع محیط، دو نوع محیط درک می شود:

۱. اول محیط بالقوه برای رفتار انسان؛ و
۲. دوم، محیط موثر که فرد به آن توجه می کند و آن را مورد استفاده قرار می دهد.

در این رابطه، کورت کافکا (۱۹۳۵)، بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قایل می شود، چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می داند، و محیط رفتاری را تصویرشناختی محیط عینی ارزیابی می کند که اساس رفتار انسان را شکل می دهد. علاوه بر این داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می کند که آن را به مفاهیم محیط پدیده ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می افزاید (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۸).



نمودار ۱. انواع محیط از دیدگاه داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷): ماخذ: ترسیم نگارندگان.

کارکرد فضای عمومی شهری

موضوع تولید، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط های مصنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه ریزان و طراحان شهری قرار

دارد. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که این گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روانشناسی مانند (پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کالن: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لوئیس مامفورد: ۱۹۶۱، جین جیکوبز: ۱۹۶۱، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، اموس راپاپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ادوارد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسوا: ۱۹۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان مونتگمری: ۱۹۸۸، یان بنتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است (پارسی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). اما تجربه نشان می دهد به رغم توجه اندیشمندان و تأکیده‌های آنان، تلاش برای ایجاد، احیا و تقویت فضای شهری عموماً با موفقیت همراه نبوده و به نظر می رسد می توان به برخی دلایل آن چنین اشاره کرد: «۱. غلبه اصالت شکل در شناخت، تحلیل و طراحی فضای شهری؛ ۲. رشد یکسوگرانه گرایش های روان شناختی شهری و کم توجهی به بستر اجتماعی؛ ۳. عدم شناسایی دقیق عوامل اجتماعی مؤثر در محتوا و فرم فضای شهری و ساز و کار آنها؛ ۴. عدم کفایت تعریف موجود از محتوای فضای شهری.»

کسانی که شهر و جامعه را مطالعه می کنند، از دیرباز به فضای عمومی توجه داشته اند. به تازگی در علوم اجتماعی و انسانی، علاقه به این موضوع رشد قابل توجهی داشته است. این امر تا حدودی به دلیل تحولات جاری در تحولات غربی است که در آن ها زوال عرصه عمومی مشاهده شده است. موج ساخت و ساز و بازسازی های شهیر در دهه ۸۰ توجه جغرافی دانان شهری، برنامه ریزان و معماران را به نقش محوری فضای عمومی در مناطق شهری، جلب کرده است. دلیل دیگر توجه فزاینده به عرصه عمومی ظهور و یا تقلا برای برقراری دموکراسی های جدید در اروپای شرقی و دیگر مناطق جهان است (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱).

انواع فضاهای عمومی

در مورد گونه شناسی عملکردی فضاهای عمومی میان

صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد و در عمده موارد، بیشتر گونه شناسی فرمی فضای عمومی را مورد بررسی قرار گرفته است. «استفان کار»^۱ فضای عمومی را در قالب خیابان، میدان، زمین های بازی، بازارها و فضاهای باز اجتماعات محلی می داند که در سال های اخیر اشکال جدیدی به آنها اضافه شده است. این اشکال جدید عبارتند از فضاهای تجاری جدید، باغ های جوامع محلی، سبز راه ها و نواحی حفاظت شده طبیعی (Carr:1992:85). «گرمونا» انواع فضاهای عمومی به عنوان فضاهای قابل دسترس برای همه را چنین تقسیم بندی می کند:

۱. «فضاهای عمومی خارجی»^۲: قطعاتی که در بین ساختمانهای خصوصی قرا می گیرند نظیر خیابان ها، میدین، پارک ها، بزرگراه ها و پارکینگ ها و همچنین فضاهای کناره رودخانه ها، دریاچه ها و کنار سواحل؛ ۲. «فضاهای عمومی داخلی»^۳: مؤسسات عمومی نظیر کتابخانه ها، موزه ها، تالارهای شهری و همچنین ساختمان های مربوط به حمل و نقل عمومی نظیر ایستگاه های قطار و اتوبوس و فرودگاه ها؛ ۳. «شبه فضاهای عمومی داخلی و خارجی»^۴: پاره ای از فضاهایی که به طور قانونی خصوصی هستند نظیر پردیس های دانشگاهی زمین های ورزش، رستوران ها، سینماها و مراکز خرید را می توان به عنوان بخشی از عرصه عمومی تلقی کرد (Carmona, 2003:111).

«نیروی ویژه مسائل شهری»^۵ با بر شمردن فضاهایی همچون خیابانها، میدین و پارکها به عنوان فضای عمومی به شبکه فضاهای عمومی اشاره می کند و چنین بیان می دارد که چنین شبکه ای دامنه انتخاب های مردم در زندگی روزمره شهری را گسترده می کند. از دید آن ها بهترین شهرهای فشرده و منظم حول یک الگوی ارتباطی مناسب از خیابان ها و فضاهای عمومی طراحی می شوند (Urban Task force, 199:56). این گروه سپس جهت ایجاد یک عرصه عمومی با ارزش های ثبت نیاز به یک رویکرد و برنامه ریزی جامع در مورد فضاهای عمومی را مطرح کرده و دو توصیه اساسی می دهد: «۱. نهادهای مدیریت علمی نیاز به فراهم آوردن یک استراتژی جداگانه

1- Carr

2- External Public Spaces

3- Internal Public Spaces

4- Quasi-public Spaces

5- Urban Task Force

توسط حس مکان یک بنا تعریف می شوند؛^۳ «میدان های هسته ای»: این میدان های فضایی هستند که اطراف یک مرکز شل می گیرند؛^۴ «میدان های گروهی»: این میدان ها از ترکیب چند میدان یا فضا تشکیل می شوند؛ و^۵ «میدان های بی شکل»: این میدان ها در هیچ یک از انواع بالا جای نمی گیرند. اما برخی خصوصیات آنها را ممکن است داشته باشند (Zucker, 1959).

«مارکوس» در یک گونه شناسی از میدان های شهری در مراکز شهری آنها را در ۶ دسته بررسی می کنند: ۱. «میدان گاه خیابانی»^۸: میدان گاه خیابانی بخش کوچکی از فضاهای باز عمومی همجوار فضای پیاده رو و منفضل به خیابان و گاهی اوقات بخشی از پیاده روی عریض شده یا امتداد آن که مسقف شده را شامل می شود. این فضاها عموماً برای زمان های کوتاه نشستن، انتظار و تماشای خیابان و رفت و آمد مردم مناسبند. این میدان گاه ها شامل: لبه های نشستن^۹، پیاده روی عریض شده^{۱۰} مکان انتظار برای اتوبوس^{۱۱} پیاده راه اتصالی بین دو بلوک^{۱۲}، گوشه های آفتابگیر^{۱۳} و رواقها^{۱۴} هستند؛ ۲. «فضای عمومی مجتمع های ساختمانی»^{۱۵}: این فضاهای بخشی از مجتمع های ساختمان های بلندمرتبه هستند که عملکرد اصلی آنها ایجاد یک ورودی جذاب و محرک است. این فضاها معمولاً خصوصی هستند ولی عموم به آن دسترسی داند و بعد از ساعات کار تجاری بسته می شوند. این فضاها شامل رواقهای تزئینی^{۱۶}، جلوخان باشکوه^{۱۷} و صحن وسیع کنار ساختمانها^{۱۸} می باشند. ۳. «واحه شهری»^{۱۹}: واحه شهری یک نوع از میدان گاه های عمومی است که دارای منظر پارکی و باغی است و به طور نسبی از خیابان مجاورش جدا شده است. انواع واحه های شهری عبارتند از: محل عمومی برای غذا خوردن در فضای آزاد^{۲۰}، واحه باغی (باغچه شهری)^{۲۱} و باغ در بام^{۲۲}. ۴. «مکانهای عمومی گذرگاهی»^{۲۳}: یک

برای عرصه عمومی و فضاهای باز دامنه که با طراحی نگهداری، مدیریت و مسائل مالی سر و کار دارد؛^۲ معرفی یک برنامه ملی جهت ایجاد مسیرهای سبز پیاده شهری اطراف یا درون شهرهای بزرگ و کوچک.^۶

با همه تفاوت دیدگاههایی که در مورد فضاهای عمومی و فضاهای شهری وجود دارد، همه متخصصین بالاتفاق خیابان و میدان را به عنوان دو فضای عمومی شهری اصلی ذکر کرده اند. ماتین، زوکر، سیته، کریر و مارکوس در بررسی های خود از فضای شهری به دو عنصر میدان و خیابان توجه کرده اند. میادین در شکل ها و اندازه های متفاوتی ساخته می شوند. این نوع از فضا می تواند در قالب پلازاها، پیازها، سیرکها متبلور شود. «کامیلوسیتته» در سال ۱۸۸۹ با رویکردهای زیباشناسانه برای میادین شهری مجموعه ای از اصول هنری را ارائه می دهد که عبارتند از: «محصوریت»: حس شهریت با محصوریت فضا حاصل می شود؛ «توده تعریف کننده فضا»: هر بنا با نمایش، فضا را تعریف می کند؛ «شکل»: میدان باید در تناسب با بنای اصلی خود باشد، برحسب بنا میدان می تواند پهن یا عمیق باشد؛ «آثار تاریخی»: مرکز میدان باید آزاد نگه داشته شود و آثار دور میدان چیده شوند (Carmona, 2003) «پاول زوکر» در سال ۱۹۵۹ در کتاب «شهر و میدان»^۷ خود در مورد میدان های مختلف بحث می کند و رابطه میان فضای باز میدان، بناهای اطراف و آسمان میدان را بیان می کند. این ارتباط تجربه حسی عالی را در مقایسه با سایر کارهای هنری منتقل می کند. این تجربه تعیین می کند که یک میدان تا چه اندازه یک کل یکپارچه را تشکیل می دهد. او پنج گونه از این ارتباطات را بیان می کند که عبارتند از: ۱. «میدان های بسته»: میدانی با محصوریت کامل است که محصوریتش تنها با خیابان های مربوط به آن مخدوش می شود؛ ۲. «میدان های مسلط»: این میدان ها

۶- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: Towards an Urban Renaissance. PP(۱۹۹۹) Urban Task Force ۵۶-۵۹

7- Town and Square
8- The Street Plaza
9- The Seating Edge
10- The Widened Sidewalk
11- The Bus Waiting Place
12- The Pedestrian Link

13- The Corner Sun Pocket
14- The Arcade Plaza
15- The Corporate Foyer
16- Decorative Porch
17- Impressive Fore Court
18- The Stage Set

19- The Urban Oasis
20- The Outdoor Lunch Plaza
21- The Garden Oasis
22- Roof Garden
23- The Transit Foyer

نوع فضای عمومی جهت تسهیل ورود و خروج به پایانه هاست، نظیر ورودی مترو و ورودی ترمینال اتوبوس؛ ۵. «خیابان پیاده پر درخت^{۲۴}»: وقتی خیابان به طور کامل بر روی ترافیک سوار، بسته می شود قابلیت یک میدان را پیدا می کند؛ ۶. «فضاهای عمومی بزرگ^{۲۵}»: این فضا نزدیکترین تصویر به میدان های تاریخی مشهور است، زمانی که تنوعی از کاربری ها در اطراف آن قرار می گیرند.

«لئون کریر»، چهارگونه فضاهای شهری را شناسایی کرده است. سه گونه از این فضاها سنتی و گونه چهارم یک فضای شهری مدرنیستی است. وی با چهار دیگرام به خوبی تفاوت فضای شهری مدرن و سنتی را عرضه می کند: «گونه اول: بلوک های شهری نتیجه الگوی خیابان ها و میدان ها هستند؛ این الگوها قابل دسته بندی هستند؛ گونه دوم: الگوی خیابانها و میدانها نتیجه موقعیت بلوک هاست. بلوکها قابل دسته بندی در گونه های مختلف هستند؛ گونه سوم: خیابان ها و میدان ها دارای گونه های فرعی دقیق هستند. این فضاهای عمومی قابل دسته بندی هستند؛ گونه چهارم: ساختمان ها دارای گونه های فرعی دقیق هستند. در این حالت ساختمان ها به صورت اتفاقی در فضا قرار گرفته اند» (Carmona, 2003:71).

پاکزاد نیز با بررسی فضاهای عمومی و خصوصی و فضای باز و بسته، سه شاخصه اصلی را برای تشخیص فضاهای شهری مطرح می کند: عمومی بودن فضا، باز بودن فضا و برقراری تعاملات اجتماعی. با این وصف آن دسته از فضاهای شهر شامل فضاهایی سرپوشیده و عرصه های باز خصوصی مانند حیاط خانه ها و فضاهای بین بلوک های ساختمانی بدون کمترین تأمل از انواع فضاهای شهری حذف می شوند. با دقیق تر شدن بر شاخص تعاملات اجتماعی فضاهایی نظیر پارک ها و باغ های عمومی نیز در دسته فضاهای شهری نمی گنجد. وی با محدود کردن مفهوم فضای شهری آن را در ۵ دسته زیر تقسیم می کند: «۱. ورودی؛ ۲- میدان؛ ۳- مسیر؛ ۴- ساحل و کناره؛ و ۵- پله» (پاکزاد،

۱۳۸۴، ص ۵۰).

نظریات فضای عمومی شهری

عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محتوای آن در بررسی های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک^{۲۶}» اثر «ویلیام وایت^{۲۷}» در ۱۹۸۰، «زندگی در بین ساختمان ها^{۲۸}» اثر «جان گهل^{۲۹}» در ۱۹۸۷ و «مکان های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری^{۳۰}» اثر «کلیر کوپر مارکوس^{۳۱}» و «کارولین فرانسیس^{۳۲}» در ۱۹۸۸ ارجاع می دهند. «گهل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد:

۱. دسته اول «فعالیت های ضروری^{۳۳}» و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد؛

۲. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، «فعالیت های گزینشی و انتخابی^{۳۴}» تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند؛

۳. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند، «فعالیت های اجتماعی^{۳۵}» هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در برمی گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیتها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیت های اجتماعی شکل می گیرد.

فضای عمومی یک دنیای نهادی و مادی مشترک و فضای حائلی است که امکان حضور مشترک را فراهم

24- The Street as Plaza- Pedestrian and Transit Malls

29- Jon Gehl

33- Necessary Activities

25- The Grand Public place

30- People Places: Design Guidelines for Urban

34- Optional Activities

26- The Social Life of Small Urban Spaces

Open Spaces

35- Resultan Activities(Social Activities)

27- William H.Whyte

31- Clare Cooper Marcus

28- Life Between Buildings

32- Carolyn Francis

دولتی.» عرصه خصوصی از آن خانواده است. عرصه عمومی دربرگیرنده گروه‌های شغلی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباطی جمعی است؛ و عرصه دولتی هم دولت و ساختارهای آن است. جامعه مدنی درگرو به وجود آمدن شرایط ویژه در هر سه عرصه و در روابط این سه عرصه با یکدیگر است. اما در مقایسه با دیگر جوامع، در جامعه مدنی عرصه عمومی دارای اهمیت زیادی است. هابرماس در این زمینه با ارائه دو مفهوم «حوزه عمومی، سیطره عمومی یا حوزه همگانی»^{۳۸} و «کنش مفاهمه‌ای» پایه‌ای فلسفی در رابطه با عرصه عمومی را بنا می‌نهد. هابرماس نخستین بار این مفهوم را در ۱۹۶۲ در کتاب «تغییر ساختاری حوزه عمومی»^{۳۹} مطرح کرد (هوهندال، ۱۳۸۱، ص ۲۷۳). وی در این راه از «دیالکتیک هگل»^{۴۰} و نظرات «مونتسکیو» و «ژان ژاک روسو» نیز الهام می‌گیرد.^{۴۱} هابرماس در شرح حوزه یا سیطره عمومی می‌گوید:

منظور ما از سیطره عمومی در وهله اول قلمروی از زندگی اجتماعی ماست که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل گیرد. دسترسی به این قلمرو برای تمامی شهروندان تضمین شده است. در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصی گرد هم آیند تا بیکره ای عمومی^{۴۲} را شکل دهند، بخشی از سیطره عمومی شکل می‌گیرد.^{۴۳} هرچند اقتدار دولت اصطلاحاً مجری سیطره عمومی سیاسی است ولی بخشی از آن نیست.^{۴۴} یقیناً به طور معمول اقتدار دولت، اقتدار عمومی تلقی می‌شود اما وظیفه مراقبت از رفاه تمامی شهروندان بدو از همین جنبه سیطره عمومی نشات می‌گیرد. فقط زمانی که اعمال کنترل سیاسی به نحوی کارآمد تابع این خواست دموکراتیک باشد که اطلاعات باید در دسترس عموم قرارگیرد، سیطره عمومی سیاسی از طریق ابزار هیات‌های

کرده، روابط متقابل میان افراد را تنظیم می‌کند. ما با حضور در مکانی که دیگران نیز در آن حضور دارند به تجربه مشترکی از جهان می‌رسیم و به این ترتیب با همه انسان‌هایی که در گذشته (یا آینده) چنین واقعیت فیزیکی را تجربه کرده‌اند (یا خواهند کرد) پیوند برقرار می‌کنیم. این بخش پیوند دهنده که دوره‌های مختلف تاریخی را به هم متصل می‌کند، فضای عمومی را از ثبات و تداوم برخوردار می‌سازد. ما با حضور مشترک در نهاد‌هایی خاص همچون آیین‌ها و مناسک، نمایش‌ها و اجراها، گفت و گوهای دسته جمعی هم می‌توانیم به تجربه مشترک دست یابیم (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۳۱). برای تبیین عناصر، عوامل و نیروهای شکل دهنده فضای شهری:

- اولاً باید به رشته‌هایی توجه داشت که با اثر زندگی اجتماعی بر سازمان فضایی سر و کار دارد،
- ثانیاً فضای شهری باید بستر زندگی عمومی و اجتماعی مردم جامعه تلقی شود و
- ثالثاً محتوای اجتماعی این فضا که آن را بیش از پیش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی - کالبدی می‌نمایاند، مورد بررسی عمیق قرار داد.

نظریه‌های فلسفی و سیاسی عرصه عمومی
عمده منابع و متون مربوط به عرصه عمومی در بررسی جایگاه این موضوع در فلسفه و سیاست به «یورگن هابرماس»^{۴۵}، آخرین بازمانده از حلقه فیلسوفان فرانکفورت و «هانا آرنه»^{۴۶}، واضح «نظریه توتالیتاریسم»، ارجاع می‌دهند. اینان تا اندازه‌ای به تفکیک «قلمرو خصوصی، حوزه عمومی و قلمرو اقتدار عمومی یا دولت» پرداخته‌اند. از دیدگاه جامعه‌شناختی می‌توان جامعه را به سه عرصه تقسیم کرد: «عرصه خصوصی، عرصه عمومی و عرصه

36- Yorgen Hubermas

37- Hanna Arendt

38- Public Sphere

42- Public Body

۴۳- مفهوم سیطره عمومی از نظر هابرماس را نباید با مفهوم «عموم» یعنی افرادی که گردهم می‌آیند یکی دانست مفهوم مورد نظر او متوجه نهاد است که البته از طریق مشارکت مردم شکلی انضمامی به خود می‌گیرد. به هر رو نمی‌توان آن را صرفاً انبوهی از مردم دانست

۴۴- دولت و سیطره عمومی برهم منطبق نیستند بلکه با یکدیگر به عنوان خصم روبه‌رو می‌شوند. هابرماس سیطره‌ای را عمومی متصور می‌شود که در عهد باستان خصوصی تلقی می‌شد یعنی سیطره ساختن افکار عمومی غیر دولتی.

39- The Structural Transformation of Public Sphere

40- Hegel

۴۱- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به نوذری، حسینی (۱۳۸۶) بازخوانی هابرماس. نشر چشمه. چاپ دوم. تهران

قانونگذار تأثیری نهادی شده بر حکومت می‌گذارد. اصطلاح «افکار عمومی» به وظایف انتقاد و کنترلی اشاره می‌کند که پیکره عمومی شهروندان به طور غیر رسمی - و به همان سان به طور رسمی در انتخابات دوره‌ای - در رویارویی با ساختار حاکم که در قالب دولت سازمان یافته است، بدان عمل می‌کند. مقرراتی که طالب آنند که برخی از امور در ملا عام صورت گیرد، برای مثال آنهایی که به برگزاری علنی دادگاهها مربوط هستند به این کارکرد افکار عمومی مربوط می‌شوند. سیطره عمومی به مثابه سیطره ای است که میانجی جامعه و دولت است و در آن عموم خود را چونان حاملان افکار عمومی سازمان می‌دهند. تصادفی نبوده است که این برداشتها از سیطره عمومی و افکار عمومی برای نخستین بار فقط در قرن هیجدهم ظهور کردند. این برداشتها معنای خاص خود را از وضعیت تاریخی انضمامی کسب می‌کنند. در آن زمان بود که افکار^{۴۵} و افکار عمومی^{۴۶} از یکدیگر تمایز یافتند. هرچند به نظرمی‌رسد^{۴۷} (هابرماس، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵-۲۶۶).

کاملاً مشخص است که مفهوم حوزه عمومی هابرماس فراتر و عام تر از مفهوم فضای عمومی است و به نوعی فضای عمومی بخشی از حوزه عمومی محسوب می‌شود. فضای عمومی فضای باز و در دسترس عموم است، فضایی که مردم برای فعالیت های فردی و جمعی به آن می‌روند. حوزه همگانی در تعریف هابرماس از آن حوزه رشد آگاهی اجتماعی در جامعه مدرن است. این حوزه ای است که افکار عمومی در آن با بکارگیری خرد انتقادی و قضاوت عقلانی شکل می‌گیرد و به تنها منبع مشروعیت بخش به قوانین حاکم بر حیات اجتماعی مبدل می‌شود. حوزه همگانی هابرماس مستقل از دولت و بازار است و مباحثه انتقادی در آن، فارغ از قدرت و منزلت افراد جاری می‌شود. در این حال حوزه همگانی در مقابل حوزه خصوصی - که مسئله فردی در آن پیگیری می‌شود و دولت که امر همگانی را از بالا دنبال می‌کند - قرار می‌گیرد (خاتم، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

بابک احمدی در مقاله «گستره همگانی در نگرش انتقادی هابرماس» حوزه عمومی را چنین معنا می

کند: «هابرماس از گستره یا فضایی اجتماعی یاد می‌کند که میان دولت و جامعه مدنی قرار می‌گیرد و کارکرد فعال اجتماعی‌اش وابسته به تمایز قطعی و شکاف میان آن دو است. این گستره مجموعه‌ای است کنشها و نهادهای فرهنگی که البته کارکردهای غیرفرهنگی یعنی نقش های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی نیز می‌یابند. این کارکردها جنبه عمومی و یا همگانیت دارند که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی مستقل و مصون هستند. در عین حال نهادهای حوزه عمومی دارای آن استقلال زندگی شخصی و خصوصی که ویژه جامعه مدنی است، نیستند»^{۴۸}.

حوزه عمومی، حوزه ای واقع در میان جامعه مدنی و دولت است و فضای طرح آزاد مسائل عمومی و استدلال و تحقیق درباره آنها و نهایتاً تکوین اراده عمومی را تشکیل می‌دهد. حوزه عمومی در مقابل عرصه آمریت، عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی، متضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند در خارج از حوزه عمومی یعنی در عرصه قدرت به صورت قانع کننده ای مدعی شناخت بهتر خیر و صلاح جامعه باشد. حوزه عمومی آنچه را که ماهیتاً عمومی است از عرصه های بسته و خصوصی و منفعت رهایی می‌بخشد. پرسشهایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جز آن چیست تنها در حوزه عمومی هر جامعه خاص ممکن است پاسخ داده شده و مورد پذیرش و باور قرار گیرد. وقتی سرچشمه تعریف چنین مفاهیمی در عرصه قدرت و یا در عرصه منفعت باشد، پاسخهای داده شده با روح جامعه پیوند پیدا نمی‌کند.

آرنت که با کتاب «ریشه های توتالیتاریسم» در ۱۹۵۱ به شهرت رسید، اعتقاد دارد که عمل، عالی ترین نوع فعالیت انسان است و اقدام، مبادرت، تهور، انقلاب، حضور در عرصه عمومی ابتکار، و تجربه عمل آزاد را شامل می‌شود. عمل وجوهی تجربی از زندگی آدمی را در بر می‌گیرد که با آزادی در ارتباط است. در واقع همین مفهوم عمل اساس فلسفه سیاسی آرنت به شمار می‌رود.

45- opinion

46- public opinion

۴۷- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به هابرماس، یورگن (۱۳۸۱) سیطره عمومی. ترجمه: هاله لاجوردی. فصلنامه ارغنون. شماره ۲۰. صص ۲۷۲-۲۵۶

۴۸- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: احمدی، بابک (۱۳۷۲) گستره همگانی در نگرش انتقادی هابرماس. مجله گفتگو. شماره ۱

در نگاه پدیدار شناسانه آرنت هر انسانی مبین آغازی تازه در جهان است و می‌تواند طرحی نو درافکند و کاری پیش بینی ناپذیر کند. به نظر آرنت هرکس موجودی جدید و بی نظیر و پیش بینی ناپذیر است. عرصه عمل آزاد، گستره ای عمومی و متکثر است که انسانها خود آن را برقرار ساخته اند. با این حال هرکس با نگاه خاص خویش به این عرصه می‌نگرد. از مجموعه اعمال پیش بینی ناپذیر افراد شبکه‌ای پیچیده از روابط محتمل پدید می‌آید که محصول عمل است و انسان‌ها خودشان رابه منزله افرادی بی همتا آشکار می‌سازند. عمل‌فعالیتی آزاد است. عمل تنها فعالیت است که مستقیماً میان انسانها جاری است بدون آن که اشیا یا مواد در آن دخیل باشند، عامل نمی‌تواند پیامدهای عمل خویش را تعیین و تنظیم کند؛ بنابراین نتیجه عمل را نمی‌توان از نیت او حدس زد. همین نظم ناپذیری و پیش بینی ناپذیری عمل آزاد انسان سرشت تاریخ و سیاست را رقم می‌زند. حتی نوری که زندگی خصوصی و درونی ما را روشن می‌سازد بالمآل از نور روشن تر حوزه عمومی ساطع می‌شود. به نظر آرنت امروزه هم امکان عمل آزاد وجود دارد، اما لازمه آن برقراری حوزه ای عمومی است که در جامعه مدرن رو به زوال بوده است. به این تعبیر، در دنیای مدرن سیاست رو به زوال است. علت پیدایی سیاست از دیرباز، از زمان یونانیان، تامین حوزه‌ای عمومی برای عمل بوده است. بدین سان فهم آرنت از سیاست و کار ویژه‌های آن با دریافت مدرن رایج در علوم اجتماعی تفاوتی عمیق دارد. در دیدگاه‌های مدرن کار ویژه سیاست عبارت است: تامین منافع و رفاه شهروندان، حل منازعات و ایجاد سازش و اجماع اجتماعی؛ تامین نظم و امنیت، تمهید شرایط برای رشد اجتماعی افراد، آموزش اخلاقی و مدنی. در همه این دیدگاه‌ها افراد همچون کارگزاران سیاسی بوده و پذیرای نقش‌های ساختاری پنداشته می‌شوند. اقتصادی سازی زندگی سیاسی به تعبیر قدیم یونانی موجب خصوصی سازی آن شده است در نتیجه کل جماعات مدرن به اجتماعات کارگران و کارمندان بدل شده اند. در مقابل آرنت بر انسان به منزله فاعل و کارگزار عمل آزاد تاکید می‌کند. به نظر او مفهول

و کارپذیر شدن انسان محصول ظهور مفهوم جامعه در قرون اخیر بوده است که به معنای عرصه‌ای خصوصی و جدا از عرصه عمومی سیاسی است و در نتیجه موضوع عمل سیاسی است. با ظهور مفهوم جامعه، تمایز قدیم یونانی میان عرصه خصوصی و عرصه عمومی از میان رفت، در تمایز قدیم، خانواده‌های خصوصی به سبب عرصه عمومی وجود داشتند نه بالعکس، چنان که در اعصار اخیر با ظهور مفهوم جامعه پیش آمده است. در فلسفه مسیحی مفهوم ارسطویی انسان، یعنی حیوانی سیاسی و مربوطه به عرصه عمل آزاد و عمومی، طبعاً به گونه موجودی اجتماعی ترجمان یافت. همچنین سیاست به مفهوم یونانی آن یعنی فعالیتی آزاد که به فراسوی طبیعت و ضرورت‌های آن می‌رود به فعالیتی تعبیر شد که هدف آن تامین نیازها و ضرورت‌های طبیعی زیست آدمی است. پیشتر جامعه و اقتصاد (تدبیر منزل) در خدمت سیاست بود، اما اکنون سیاست در خدمت جامعه و اقتصاد قرار می‌گیرد. چنین است بنیاد کل نظریه پردازی سیاسی در ادوار مدرن (بشیریه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴-۹۷). از نظر فلسفی، هانا آرنت حوزه عمومی را متضمن اعتماد به «نمود» می‌داند. وی به پیروی از نیچه بویژه در تبارشناسی اخلاق، تمایز افلاطونی بین نمود و بود را طرد می‌کند. به نظر آرنت، نمود، عین واقعیت است و فراسوی نمود هیچ چیز نمی‌توان یافت. به نظر وی آنچه توسط دیگران و خودمان دیده یا شنیده می‌شود، واقعیت است. در نگاه وی حوزه عمومی دو بعد دارد:

۱- «**دنیای مشترک**»: دنیای مشترک در تمایز با طبیعت و محیط طبیعی، دنیای مصنوع انسانهاست که رفت و آمد نسلها را دوام می‌آورد، بناها و فضاها ساخته شده و نیز نهادهایی است که انسانها را از خود به یادگار می‌گذارند و تاریخ آن را باز می‌گوید. چیزی است که در یادها می‌ماند و همچون خاطرات فردی و احساسات درونی ناگفته، با مرگ فرد از میان می‌رود.

۲- «**فضای ظهور**»: همه احساسات و هیجانات و رویاهای درونی انسان که در برابر دیگران ظهور نمی‌یابد ماهیتی گذرا دارد و «واقعیت» نمی‌یابد. تنها در حضور دیگران و سخن گفتن و عمل کردن همراه با آن

است که هویت انسانی واقعیت می یابد.

در حوزه عمومی افراد با ترغیب و سخنوری سروکار دارند. وقتی آرنت حوزه عمومی را جایی تعریف می کند که همه چیز دیده و شنیده می شود، در واقع می خواهد سیاست را از پشت پرده بیرون آورد. این نظر آرنت باعث می شود تا همه مردم از راههای پنهان سیاست با خبر شوند و هیچ کس نتواند به خشونت متوسل گردد. آرنت خشونت را لال و گنگ می داند، خشونت بدون استدلال صورت می گیرد. وقتی آرنت عمل سیاسی را به عنوان سخنوری تعریف می کند، عملا می خواهد همه چیز از راه استدلال و بیان حل شود. در صحنه نمایش یعنی همان حوزه عمومی هیچ چیز پنهان نیست و بنابراین هیچ رازی وجود ندارد. گرچه به اعتقاد برخی حوزه عمومی آرنت در شرایط مدرن حتی قابل تصور نیست اما می توان از ادراک حوزه عمومی آرنت به عنوان نقادی شایسته برای دوران مدرن استفاده کرد و حتی به نظر عده ای واحدهای دموکراتیک هانا آرنت در بیابانهای سوزان مدرنیته می تواند در جامعه مدنی یافت شود، با اینکه حوزه عمومی آرنت می تواند در نهایت به شناخت ادراک های قرن بیستم منجر شود^{۴۹}.

در پایان این بخش بر اساس آرای اندیشه سیاسی هابرماس و هانا آرنت، به مولفه های احراز مفهوم عرصه های عمومی شهری در قالب جدول ۱ اشاره می شود.

جدول ۱. هنجارهای کیفی عرصه های عمومی شهری و شرایط تحقق پذیری آنها در فضاهای عمومی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

کد معیار	هنجار کیفی عرصه های عمومی شهری (آرای هابرماس و هانا آرنت)
۱	آزادی بیان و اندیشه
۲	عدالت و برابری همگانی و عمومی
۳	ایجاد زمینه مشارکت همگانی و عمومی
۴	آموزش اخلاقی و مدنی
۵	تامین نظم و امنیت
۶	حل منازعات و ایجاد سازش اجتماعی
۷	حقوق فردی و شهروندی
۸	دسترسی همگانی
۹	شکل دهی به انجمنهای مردم نهاد
۱۰	عدم آمریت فضا
۱۱	استدلال و زبان همگانی
۱۲	عدم توسل به خشونت
۱۳	شکل دهی به افکار عمومی
۱۴	احراز شرایط گفتمان همگانی
۱۵	عدم کنترل و مراقبت سیاسی

۱. عرصه ذهنی فرد؛ و

۲. عرصه عینی شیء.

کیفیت‌های ضمیری به عنوان ارزشهایی معرفی شده اند که به دشواری قابل کمی شدن بوده و به سختی می توان آنها را اندازه گیری کرد. کیفیتها مرتبط با بیان مطلوب یا نامطلوب و زشت و زیبا بودن اشیاء معمولا از این دسته هستند؛ در حالی که کیفیتهای حقیقی اشیاء را می توان به عنوان کیفیتی دانست که ماهیت قابل اندازه گیری دارند و به ظرفیتهای قابل سنجش نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند. از اینرو، در مورد کیفیت یک شیء می توان گفت که: کیفیت یک شیء درجه برتری، مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیا دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگیهای آن شیء درک و محسوب می گردد.

کیفیت محیط

در فرهنگ علامه دهخدا کیفیت به معنای چگونگی و حالت و وضعی است که در چیزی حاصل می آید و در فرهنگ معین کیفیت به معنای چگونگی است. پاکزاد دو مفهوم کمیت و کیفیت را این گونه بیان می کند:

۱. **کیفیت:** چگونگی یک شیء که تاثیر عاطفی و عقلانی بر مخاطب می گذارد و ۲. **کمیت:** اندازه، میزان، مقدار تراکم یک شیء و جنسیت» (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶).
بطور کلی کیفیت محیطی کلیه ابعاد اجتماعی و اقتصادی و کالبدی را در برمی گیرد و بر اساس میران رضایت مردم سنجیده می شود. کیفیت یک شیء از دو منبع یا دو عرصه سرچشمه می گیرد:

۴۹- جهت اطلاعات بیشتر در زمینه افکار آرنت ر.ک. به: فصلنامه بخارا، ویژه نامه هانا آرنت، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۸۵.

کیفیت یک شیء از دو منبع ضمیر فرد و خود شیء نشات می یابد که به ترتیب آنها را ارزش و مقیاس اندازه گیری نامیده، بیانگر دو گروه کیفیتهای مطلوبیتی و کیفیتهای ظرفیتی اشیاء هستند (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵).



نمودار ۲. انواع کیفیت محیط از دیدگاه ارزش ضمیر مدرک و مقیاس اندازه گیری خود شیء؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گلکار، ۱۳۸۰.

گلکار (۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵) معتقد است که کیفیت طراحی شهری را می توان به عنوان برآیند سه نیرو (مولفه) کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی، و کیفیت زیست محیطی شهرها در نظر گرفت: ۱. «**کیفیت عملکردی**» از یک سو دربرگیرنده تامین حرکت و دسترسی سهل و آسان پیاده ها و سواره ها به مراکز جاذب شهری است و از سوی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند؛ ۲. «**کیفیت تجربی-زیباشناختی**» به دریافت های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد؛ و درنهایت، ۳. «**کیفیت زیست محیطی**» در بعد خرد آن فضاهای شهری است و در بعد کلان دغدغه

پایداری زیست محیطی شهری را دارد.

نظریات کیفیت محیط

کیفیت محیط کالبدی از جمله مفاهیمی است که در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت برای اولین بار توجه به کیفیت محیط کالبدی در نوشته های «**کوین لینچ**» مطرح شد. وی در مورد کیفیت محیط شهرها می گوید: «**برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تامین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مرفه و مطلوب سازد**» (لینچ، ۱۳۷۴، پیش گفتار). وی رابطه متقابل و تاثیر کیفیت محیط شهری بر کیفیت زندگی ساکنان شهرها را مورد تاکید قرار داده است.

لینچ معتقد است، اگر بناست برنامه ریزی و طراحی شهری مفید واقع گردد، بنابراین باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری رساند (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۴۳). لینچ مدلی شامل ۵ محور عملکردی که از نظر او کلیه محورهای اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می دهند به همراه دو فوق معیار «**کارایی**» و «**عدالت**» به عنوان مدل جامع کیفیت شهر پیشنهاد می کند. از نظر وی شهر زمانی مطلوب است که: ۱. «**سرزنده باشد**» (پایدار، ایمن و هماهنگ)؛ و ۲. «**معنی دار باشد**» (قابل تشخیص، سامان یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل درک و با اهمیت)؛ و ۳. «**متناسب باشد**» (انطباق نزدیک شکل و رفتار)؛ و ۴. «**قابل دسترس باشد**» (متنوع، عادلانه و قابل اداره کردن در سطح محلی باشد)؛ و ۴. «**به خوبی نظارت شده باشد**» (سازگار، مطمئن، جوابگو و به طور متناوب نرم و آزاد باشد). همه این ها باید با عدالت و کارایی درونی حاصل شود (همان، ص ۳۰۷).

«**دیوید کانتر**»^{۵۱} صاحب نظر دیگری است که در

اکوسیستم های سالم»؛ و ۴. «وجود محلات فعال و معنی دار»؛ و ۵. «رفع نیازهای اولیه هر شهروند»؛ و ۶. «وجود روابط اجتماعی در حد معقول»؛ و ۷. «وجود اقتصاد متنوع و خودکفا»؛ و ۸. «تنوع فعالیت های فرهنگی» (طبیعیان و بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

بر اساس مطالعه ای که توسط موسسه PPS بر روی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان انجام داده شد، مطالعه کنندگان به این نتیجه رسیدند که ۴ عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند که این عوامل عبارتند از: «الف- دسترسی و به هم پیوستگی؛ ب- آسایش و منظر؛ ج- استفاده ها و فعالیت ها؛ د- اجتماع پذیری» (رفعیان و سیفایی، ۱۳۸۴).

برای سهولت مطالعه، بافت محیط شهری را به اجزای

زمینه کیفیت محیط، به ارائه نظریه پرداخته است. وی مدلی را برای مولفه های سازنده کیفیت محیط مطرح کرد که به مدل مکان شهرت دارد. در این مدل کانتیر عنوان می کند که محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آن جا که کیفیت محیط شهری یک مکان، ناگزیر از پاسخ دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، می توان مولفه های سازنده کیفیت محیط شهری را مولفه هایی به موازات مولفه های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر با اقتباس از نظریه مکان کانتیر میتوان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مولفه که هر یک از آن ها مسئول برآورده ساختن یکی از کیفیتهای سه گانه کالبدی، فعالیتی و تصویری محیط شهر می باشند (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۴۳).

«ساوت ورث^{۵۲}» نیز دوازده معیار کلی را به عنوان عوامل اصلی موثر در کیفیت محیط شهری مطرح می کند:

شادی و شغف	سرزندگی و حیات	راحتی و آسایش	دسترسی
معنی	تنوع و تجانس	حفاظت از محیط	شکل
سلامتی و ایمنی	مرمت و نگهداری	باز بودن فضاها	خوانایی ساخت

نمودار ۳. معیارهای کیفیت محیط شهر از دیدگاه ساوت ورث؛ ماخذ: بحرینی و طبیعیان، ۱۳۷۷، ص ۴۴ و تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶

ساختاری اش تجزیه کرده و آنها را در قالب چهار سازمان طبقه بندی و معرفی می کند:

۱- «سازمان محیط فضایی محیط»: به اعتقاد او روابط متقابل در محیط های فیزیکی، در وهله اول فضایی اند. زیرا اصولا مردم و اشیا از طریق جدایی توسط فضا با یکدیگر ارتباط دارند.

۲- «سازمان مفهومی محیط»: که با مفاهیمی که

همچنین پروفیسور «دوهل» استاد دانشگاه برکلی در اواسط دهه گذشته در کنفرانسی در شهر تورنتوی کانادا چند معیار را به عنوان ویژگی های کیفیت محیط شهرها ارائه کرد: ۱. «وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترس برای کلیه ساکنین»؛ و ۲. «بالا بودن کیفیت کالبد محیط - مسکن»؛ و ۳. «وجود



نمودار ۴. معیارهای موسسه PPS برای افزایش کیفیت محیط شهرها؛ ماخذ: سایت PPS.org و تقوای و معرفی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶

از طریق فرم ها، جنس ها و اجزای کالبدی محیط درک می شوند ارتباط دارد. در اینجا تأثیرات نشانه ها، رنگ ها، دورنماها، مصالح و غیره مورد توجه قرار می گیرند.

۳- «سازمان زمانی محیط»: به معنی شدت و ریتم فعالیت های انسانی و سازگاری یا عدم سازگاری آنها با یکدیگر است. به اعتقاد راپاپورت، مردم همان طور که از نظر فضایی از یکدیگر جدا هستند، از نظر زمانی هم می توانند مجزا باشند.

۴- «سازمان ارتباطی محیط»: شامل ارتباط محیط و مردم و ارتباط مردم و مردم در محیط است. از نظر راپاپورت در محیط های شهری، این سازمان از دوره قابل درک است: پیوستگی با سیستم های جابه جایی و ابزارهای ارتباطی مثل تابلوها و هم چنین روابط انسانی رودرو (پروند، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰).

معیارهای کیفیت مکان و فضاهای شهری
در ادبیات شهرسازی، سالیان زیادی نیست که این اصطلاح رایج شده است. نگاه به ادبیات موجود حکایت از آن دارد که تمام تلاشها در دستیابی به مفهوم فضای عمومی پایدار یا مکان جمعی پایدار با مفهوم «کیفیت در فضای شهری» پیوند خورده است. به زبانی دیگر می توان گفت بیان معیارهای کیفیت در دیدگاههای

«مارگارت مید» در مقاله ای تحت عنوان «همسایگان سازگار» معیارهایی برای کیفیت

متخصصین به نوعی از یک ایده آل ذهنی از فضاهای عمومی شهری در ذهن آنها برمی خیزد که این حالت ایده آل را می توان تعبیری از پایداری این فضاها به عنوان نقطه پیشانی اهداف طراحی شهری دانست. نظریه پردازان تجربه گرایی همچون لینچ^{۵۳}، ایلپارد^{۵۴}، لنگ^{۵۵} و نسر را می توان مهم ترین حامیان اینگونه تلقی از مفهوم کیفیت محیط شهری دانست. در میان آثار زیاد و متنوعی که از آنها پارامترهای کیفیتی محیط زندگی استخراج شده است، به نظریات چند نظریه پرداز و سازمان های فعال در عرصه طراحی شهری اشاره خواهد شد.

«جین جیکوبز^{۵۶}» در سال ۱۹۶۱ در کتاب «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا»، ۵ معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب بیان می کند: «۱. ملحوظ داشتن فعالیت های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط؛ ۲. استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ تنوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت های مختلف در یک ناحیه؛ ۳. توجه به عنصر خیابان؛ ۴. نفوذ پذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت؛ و ۵. اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها.»

«کونین لینچ» با انتشار «تئوری شکل خوب شهر» در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقا کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می دارد: ۱. «سرزندگی»: به مفهوم امکان بقای زیست شناختی و جامعه شناختی انسان در محیط شهر؛ ۲. «معنی (حس)»: به معنی نقش انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان های شهری؛ ۳. «سازگاری»: به منظور انطباق فرم شهری با فعالیت های گوناگون و مدارهای رفتاری؛ ۴. «دسترسی»: به مفهوم سهولت نفوذ فیزیکی به بخش های مختلف بافت شهری؛ ۵. «کنترل و نظارت»: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همایی؛ ۶. «کارایی»: کارا بودن هریک از معیارهای فوق باتوجه به هزینه؛ و ۷. «عدالت»: پرداخته شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن

هزینه کنند.^{۵۷}

یکی از مشهورترین مجموعه کیفیت های طراحی شهری مجموعه ارائه شده توسط «یان بنتلی و همکارانش» در کتاب «محیط های پاسخده^{۵۸}» است. این ۷ معیار که باید در ایجاد محیطهای پاسخده رعایت شوند عبارتند از: «۱. نفوذپذیری؛ ۲. گوناگونی؛ ۳. خوانایی؛ ۴. انعطاف پذیری؛ ۵. تناسبات بصری؛ ۶. غنای حسی؛ و ۷. رنگ تعلق.»

در بسیاری متون این کیفیات در قالب اهداف طراحی شهری بیان شده است، بطور مثال در کتاب «به کمک طراحی^{۵۹}» که بیان کننده موفقیت طراحی در سیستم برنامه ریزی است، اهداف طراحی به نوعی بیان کننده کیفیت های مورد توجه در طراحی شهری محیط کالبدی است. این اهداف عبارتند از: «۱. هویت؛ ۲. تداوم و محصوریت؛ ۳. کیفیت عرصه همگانی؛ ۴. سهولت حرکت؛ ۵. خوانایی؛ ۶. تطابق؛ و ۷. تنوع.»

«جان پانتر و متیو کرمونا» در کتاب «ابعاد طراحانه برنامه ریزی شهری^{۶۰}» در ۱۹۹۱ نیز بحث کیفیت را در موارد زیر مطرح کرده اند: «۱. کیفیت پایداری زیست محیط؛ ۲. کیفیت منظر شهر؛ ۳. کیفیت دیده ها؛ ۴. کیفیت فرم شهر؛ ۵. کیفیت فرم ساختمان؛ ۶. کیفیت عرصه همگانی.» (نمودار ۵)

تحلیلی دیگر از «کیفیات محیط کالبدی» در کتاب معروف «متیو کرمونا» تحت عنوان «مکان های عمومی - فضاهای شهری^{۶۱}» ارائه شده است. در این اثر کرمونا کیفیات تأثیر گذار بر محیط کالبدی را به هفت دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: «۱. دسترسی؛ ۲. سخت فضا و نرم فضا؛ ۳. فضای همگانی؛ ۴. ایمنی و امنیت؛ ۵. منظر شهری؛ ۶. اختلاط و تراکم؛ ۷. همه شمول بودن.»

دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM) در بررسی شخصیت و هویت فضای عمومی سه بعد را مطرح می کند: «بستر فعالیت»: که شامل محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی می شود؛ «جعبه ابزار»: که

53- Lynch

54- Appelyard

55- Lang

56- Jacobs

۵۷- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: لینچ، کونین (۱۳۸۷) تئوری شکل خوب شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران.

۵۸- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: بنتلی، یان (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه: مصطفی بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

59- DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London

54- Appelyard

۶۰- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

- Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON



نمودار ۵. معیارهای اصلی کیفیت در سنجش PPS؛ ماخذ: www.pps.org

عناصر اصلی و کلیدی که فضای عمومی را تشکیل می دهند، شامل می شود؛ و «کیفیت ها»: که برتری های خاص و ویژه فضا را در بردارد. این دفتر سپس با تکیه بر آنچه در سند «به کمک طراحی»^{۶۲} که توسط CABE^{۶۳} و DETR^{۶۴} در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، اشاره می کند که فضاهای عمومی می توانند با ۱۰ عامل زیر متمایز و مشخص شوند: ۱. «نظافت و پاکیزگی»^{۶۵}: آیا این مکان ها تمیز هستند و به تمیزی آنها رسیدگی می شود؟ ۲. «دسترسی»^{۶۶}: این فضاها تا چه اندازه در دسترسند و قابلیت تحرک در آنها وجود دارد؟ ۳. «جذابیت»^{۶۷}: تا چه اندازه جذابیت بصری دارند؟ ۴. «راحتی»^{۶۸}: آیا افراد در گذراندن اوقات فراغت در این مکان راحتند؟ ۵. «جامعیت»^{۶۹}: به چه میزان پذیرای طیف های مختلف اجتماعی هستند؟ ۶. «سرزندگی و پویایی»^{۷۰}: تا چه حد از فضا استفاده شده و امکان انجام فعالیت های شاد و زندگی بخش وجود دارد. ۷. «عملکرد»^{۷۱}: تا چه حد قابلیت به مرحله اجرا درآمدن فعالیت های مختلف در فضا وجود دارد؟ ۸. «تمایز و تشخیص»^{۷۲}: آیا این فضا یک شخصیت خاص دارد؟ ۹. «ایمنی و امنیت»^{۷۳}: آیا این فضاها

۱۰. «نیرومندی»^{۷۴}: تا چه حد در طول زمان انعطاف پذیر هستند؟ (ODPM,2004:19)

علاوه بر بیان پارامترهای کیفیتی محیط، نظریه پردازان نیز مدل هایی برای طبقه بندی این کیفیات ارائه کرده اند. سه مدل عام در این زمینه عبارتند از:

۱. «مدل لنگ»^{۷۵}؛ «نیازهای انسانی»: این مدل با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده است. براساس این مدل می توان کیفیت محیط شهری را برحسب برآورده ساختن گونه های مختلف نیازهای انسان یعنی: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی و امنیت، نیاز به وابستگی و احساس تعلق، نیاز به عزت و اعتماد به نفس، نیاز به تحقق خویشتن و خوشکوفایی و نیازهای شناختی- زیباشناختی طبقه بندی نمود. لذا لازم است تا محیط شهری نیازهای متفاوت انسانی را برآورده سازد (عباس زادگان، ۱۳۸۴).
۲. «مدل اپلیارد»^{۷۶}؛ «حالت های ادراک انسانی»: براساس مدل پیشنهادی اپلیارد، می توان مؤلفه های گوناگون کیفیت طراحی شهری را براساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان سازمان دهی و طبقه

۶۱ - برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

۶۲ - Carmona, M (2003) Public places, Urban spaces. Architectural press

۶۳ - By Design

۶۴ - Commission for Architecture and the Built Environment

۶۵ - Department of the Environment, transport and the Regions

۶۶ - Cleanliness

۶۷ - Accessibility

۶۸ - Inclusively

۶۹ - Vitality and Viability

۷۰ - Distinctiveness

۷۱ - Safety and Security

۷۲ - John Lang

۷۳ - Applyard

۷۴ - Comfort

۷۵ - Functionality

۷۶ - Robustness

مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. پانتر^{۸۳} در ۱۹۹۱ و مونتگمری^{۸۴} در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه بندی می کنند:

۱. «مدل حس مکان رلف- پانتر»: مولفه های کیفیت سنجی این مدل عبارتند از: ۱. «فعالیت»: کاربرد، حرکت پیاده، رفتار، الگوها، بو و صدا، حرکت وسایل نقلیه؛ ۲. «کالبد»: منظر شهری، شکل ساخته شده، نفوذ پذیری، منظر، مبلمان؛ و ۳. «معنا»: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت، ارزیابی های کیفی.

۲. «مدل مکان کانتر- مونتگمری»: مولفه های کیفیت سنجی این مدل نیز عبارتند از: ۱. «فعالیت»: تنوع سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدار چهره به چهره مردم، سنتها و سرگرمی های محلی، فرهنگ کافه نشینی، ساعت های باز، حرکت، جاذبه ها، دادوستد، بافت نرم اقتصادی؛ ۲. «فرم یا کالبد»: مقیاس، نیرومندی، نفوذ پذیری، نشانه های شهری، نسبت فضا به ساختمانها، دانه بندی عمودی، عرصه عمومی؛ ۳. «تصویرات»: نمادگرایی و خاطره، تصویر پذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن (Carmona, 2003:99).

گلکار با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم شناسی و توجه به محیط به نارسایی مدل کانتر به عنوان یک مدل مرجع در این زمینه اشاره کرده و عنصر اکوسیستم را به کالبد، فعالیت و تصویرات در مدل کانتر می افزاید. وی این ترکیب جدید را مدل مکان پایدار می نامد. گلکار در آزمون مدل پیشنهادی خود برای مکان پایدار معیارهای کیفیت های ارائه شده توسط متخصصین را در ذیل سه مولفه خود طبقه بندی می کند:

در جدول زیر نظریات برخی از اندیشمندان درباره کیفیت محیط شهری و معیارهای مطرح شده از سوی آنان بیان شده است.

بندی نمود. اپلیارد واکنش های ادراکی انسان در برابر محیط را به سه حالت زیر تفکیک می کند: «حالت واکنشی- عاطفی»^{۷۷}، که در برگیرنده واکنش های عاطفی افراد نسبت به محیط است و در این حالت محیط به عنوان محرکی جهت برانگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی می گردد؛ و «حالت عملیاتی»^{۷۸}، که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره مانند تردد از مکانی به مکان دیگر جهت کار، ملاقات به کار گرفته می شود؛ و «حالت استنباطی»^{۷۹}، که افراد برای حمایت از فعالیت های عملیاتی و واکنش های عاطفی فوق، در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم معنی آن هستند. در این وضعیت اطلاعات استنباط شده، موجب روشن گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً حس مکان می گردد.

۳. «مدل کانتر»^{۸۰}؛ مؤلفه های مکان: مدل مشهور دیوید کانتر، از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری را می توان یکی از چارچوب های نظری که قادر به تبیین مؤلفه های کیفیت طراحی شهری است، محسوب نمود. براساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصویرات است. از آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است. می توان مؤلفه های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه هایی به موازات مؤلفه های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان کانتر می توان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هر یک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصوری» محیط شهر است (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۶۵-۳۸).

اگر چه کانتر مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مؤلفه های مکان در ادراکهای رلف^{۸۱} در کتاب «مکان و بی مکانی»^{۸۲} به صورت سه مؤلفه «کالبد، فعالیت و معنی» در ۱۹۷۶ ارائه شده است (Carmona, 2003:98). جذابیتها و کارایی این دو

77- Responsive Mode
78- Operational Mode
79- Inferential Mode

80- Canter
81- Relph
82- Place and Placelessness

83- Punter
84- Montgomery

جدول ۲. نظرات ارائه شده در زمینه کیفیت محیط؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

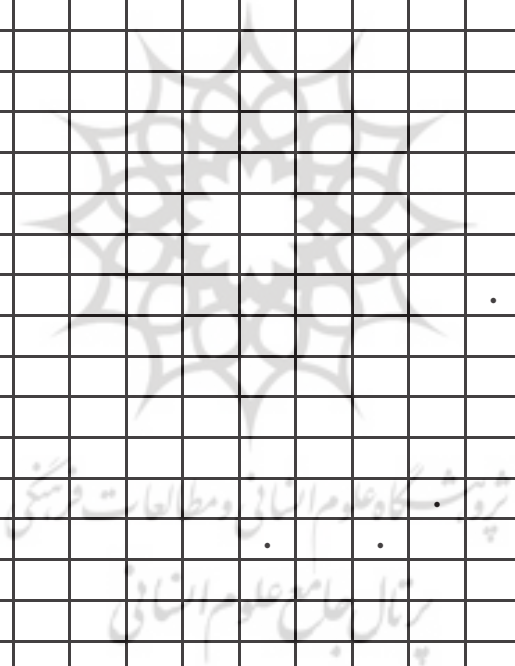
نظریه پرداز	مولفه ها، اصول و معیارهای ارائه شده (مفاهیم وابسته و پیوسته)
محمد نقی زاده	امکان دسترسی عام (الف-۱)؛ مسقف نبودن (الف-۲)؛ دسترسی و حضور پیاده (الف-۳)؛ حضور فیزیکی (الف-۴)؛ رایگان بودن (الف-۵)؛ عمومی بودن (الف-۶)؛ ظهور تعاملات اجتماعی (الف-۷).
دو هل	وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترس برای کلیه ساکنین (ب-۱)؛ بالا بودن کیفیت کالبد مسکن (ب-۲)؛ وجود اکوسیستم های سالم (ب-۳)؛ وجود محلات فعال و معنی دار (ب-۴)؛ نیازهای اولیه هر شهروند (ب-۵)؛ وجود روابط اجتماعی در حد معقول (ب-۶)؛ وجود اقتصاد متنوع و خودکفا (ب-۷)؛ تنوع فعالیت های فرهنگی (ب-۸).
کامیلوسیته	محسوریت (پ-۱)؛ توده تعریف کننده فضا (پ-۲)؛ شکل (پ-۳)؛ آثار تاریخی (پ-۴).
کوبن لینچ	سرزندگی (ت-۱)؛ معنی (ت-۲)؛ تناسب (ت-۳)؛ دسترسی (ت-۴)؛ نظارت و اختیار (ت-۵)؛ کارایی (ت-۶)؛ عدالت (ت-۷).
هاتن و هانتز	تنوع (ث-۱)؛ تمرکز (ث-۲)؛ دموکراسی (ث-۳)؛ نفوذپذیری (ث-۴)؛ امنیت (ث-۵)؛ مقیاس مناسب (ث-۶)؛ طراحی ارگانیک (ث-۷)؛ اقتصاد و ابزارهای مناسب آن (ث-۸)؛ روابط خلاقانه (ث-۹)؛ انعطاف پذیری (ث-۱۰)؛ مشورت و مشارکت دادن کاربران در طرحها (ث-۱۱).
PPS	دسترسی و به هم پیوستگی (ج-۱)؛ آسایش و منظر (ج-۲)؛ استفاده و فعالیتها (ج-۳)؛ اجتماع پذیری (ج-۴)؛ برخورداری معنی دار اجتماعی (ج-۵)؛ معرفی هویت اجتماعی (ج-۶)؛ افزایش احساس راحتی (ج-۷)؛ دسترسی های خوب (ج-۸)؛ جذب اقشار مختلف (ج-۹)؛ حمایت اقتصادی (ج-۱۰).
جین جیکوبز	ملحوظ داشتن فعالیتها مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط (خ-۱)؛ استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سنهاى مختلف در یک ناحیه (خ-۲)؛ توجه به عنصر خیابان (خ-۳)؛ نفوذ پذیر بودن (خ-۴)؛ قابل دسترس بودن بافت (خ-۵)؛ اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها (خ-۶).
مارگاریت مید	حس محله (د-۱)؛ حس تداوم (د-۲)؛ آگاهی از بیوسفر و احساس سرنوشت مشترک (د-۳)؛ حفاظت اکولوژی (د-۴)؛ تنوع (د-۵)؛ گمنامی (د-۶)؛ تحرک (د-۷)؛ انتخاب محل سکونت (د-۸)؛ اجتناب از جدایی اجتماعی و امکان گسسته شدن از پیوندهای اجتماعی (د-۹).
تیبالدز	اهمیت مکانها نسبت به ساختمانها (ذ-۱)؛ استفاده از تجربه شهرسازی سنتی (ذ-۲)؛ ادغام کاربریها و فعالیتها شهری (ذ-۳)؛ توجه به مقیاس انسانی در طرحها (ذ-۴)؛ تامین آزادی عابران پیاده (ذ-۵)؛ قابلیت دسترسی و انتخاب برای همگان (ذ-۶)؛ ایجاد خوانایی و وضوح محیط (ذ-۷)؛ توجه به ماندگاری و پایداری محیطی (ذ-۸)؛ توجه به رشد تدریجی و پویای محیط (ذ-۹)؛ ادغام مضامین نه گانه و دستیابی به ترکیبهای موثرتر محیطی (ذ-۱۰).
جان پانتر و کارمونا	کیفیت پایداری زیست محیطی (ر-۱)؛ کیفیت منظر شهر (ر-۲)؛ کیفیت دیدها (ر-۳)؛ کیفیت فرم شهر (ر-۴)؛ کیفیت فرم ساختمان و کیفیت عرصه همگانی (ر-۵).
متیو کارمونا	دسترسی (ز-۱)؛ سخت فضا و نرم فضا (ز-۲)؛ فضای همگانی (ز-۳)؛ ایمنی و امنیت (ز-۴)؛ منظر شهری (ز-۵)؛ اختلاط و تراکم (ز-۶)؛ همه شمول بودن (ز-۷)؛ مدیریت زمانی فضا (ز-۸).
بنتلی و همکاران	نفوذپذیری (س-۱)؛ گوناگونی (س-۲)؛ خوانایی (س-۳)؛ انعطاف پذیری (س-۴)؛ تناسبات بصری (س-۵)؛ غنای حسی (س-۶)؛ رنگ تعلق (س-۷).
باربارا وارد و همکاران	حق تصرف مطمئن (ش-۱)؛ خودیاری (ش-۲)؛ محافظت (ش-۳)؛ آب پاک (ش-۴)؛ خدمات اساسی (ش-۵)؛ اقتصاد فعال (ش-۶)؛ کنترل های اجتماعی موثر (ش-۷)؛ تصمیمات مشارکتی و فقدان جدایی اجتماعی (ش-۸).
آلن جیکوبز و اپلیارد	سرزندگی (ط-۱)؛ هویت و کنترل (ط-۲)؛ دسترسی به فرصتها، تخیل و شادی (ط-۳)؛ اصالت و معنا (ط-۴)؛ زندگی اجتماعی و همگانی (ط-۵)؛ خوداتکایی شهری (ط-۶)؛ محیطی برای همه (ط-۷).
ساوت ورث	خوانایی (ظ-۱)؛ ساخت (ظ-۲)؛ شکل دسترسی (ظ-۳)؛ راحتی و آسایش (ظ-۴)؛ حفاظت از محیط (ظ-۵)؛ باز بودن فضاها (ظ-۶)؛ سرزندگی و حیات (ظ-۷)؛ تنوع (ظ-۸)؛ تجانس (ظ-۹)؛ شادی و شغف (ظ-۱۰)؛ معنی (ظ-۱۱)؛ سلامتی و ایمنی (ظ-۱۲)؛ مرمت و نگهداری (ظ-۱۳).
ترانسبیک	حفظ تسلسل حرکتها (ع-۱)؛ محسوریت فضاها (ع-۲)؛ پیوستگی لبه ها (ع-۳)؛ کنترل محورها و پرسپکتیوها (ع-۴)؛ ممزوج نمودن فضاهاى درون و بیرون (ع-۵).
کولمن	حفاظت تاریخی و مرکت شهری (غ-۱)؛ طراحی برای پیاده ها (غ-۲)؛ سرزندگی و تنوع استفاده (غ-۳)؛ بستر و محیط فرهنگی (غ-۴)؛ بستر و محیط طبیعی (غ-۵)؛ توجه به ارزشهای معمارانه محیط (غ-۶).
دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM)	نظافت و پاکیزگی (ف-۱)؛ دسترسی (ف-۲)؛ جذابیت (ف-۳)؛ راحتی (ف-۴)؛ جامعیت (ف-۵)؛ سرزندگی و پویایی (ف-۶)؛ عملکرد (ف-۷)؛ تمایز و تشخیص (ف-۸)؛ ایمنی و امنیت (ف-۹)؛ نیرومندی (ف-۱۰).
پاکزاد	زیبایی (ق-۱)؛ وحدت (ق-۲)؛ هویت (ق-۳)؛ هماهنگی (ق-۴)؛ نظم (ق-۵)؛ ماندگاری (ق-۶)؛ پایداری (ق-۷)؛ تغییرپذیری (ق-۸).
ویولبیچ	قرائت پذیری (ک-۱)؛ آزادی انتخاب (ک-۲)؛ ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرمهای شهری متباین (ک-۳)؛ امکان زندگی اجتماعی (ک-۴)؛ قابل قرائت بودن میراث های فرهنگی (ک-۵)؛ لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه ای در قالب طرحها (ک-۶).

جدول ۳. ارتباط مولفه های کیفیت محیطی با پدیداری / عدم پدیداری در عرصه های عمومی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

بی ارتباط	کدهای متناظر با ویژگیهای مورد نظر عرصه های عمومی														کد متناظر با هنجارهای کیفیت محیطی	
	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲		۱
								•						•		(الف-۱)
•																(الف-۲)
								•						•		(الف-۳)
				•			•	•						•		(الف-۴)
		•					•	•					•	•		(الف-۵)
		•	•		•	•	•	•	•				•	•	•	(الف-۶)
		•	•		•	•	•	•	•		•	•	•	•	•	(الف-۷)
•																(ب-۱)
•																(ب-۲)
•																(ب-۳)
•																(ب-۴)
•																(ب-۵)
													•			(ب-۶)
•																(ب-۷)
			•										•			(ب-۸)
•																(پ-۱)
•																(پ-۲)
•																(پ-۳)
•																(پ-۴)
		•														(ت-۱)
					•											(ت-۲)
•																(ت-۳)
								•								(ت-۴)
						•		•						•		(ت-۵)
•																(ت-۶)
		•	•				•	•	•	•	•	•	•	•	•	(ت-۷)
														•		(ت-۱)
•																(ت-۲)
		•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	(ت-۳)
•																(ت-۴)
				•						•	•	•				(ت-۵)
•																(ت-۶)
•																(ت-۷)
•																(ت-۸)
•																(ت-۹)
						•										(ت-۱۰)
													•			(ت-۱۱)
								•								(ج-۱)
•																(ج-۲)

ادامه ` جدول ۳. ارتباط مولفه های کیفیت محیطی با پدیداری / عدم پدیداری در عرصه های عمومی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

																		(۳-ج)
																		(۴-ج)
																		(۱-ح)
																		(۲-ح)
																		(۳-ح)
																		(۴-ح)
																		(۵-ح)
																		(۶-ح)
																		(۱-خ)
																		(۲-خ)
																		(۳-خ)
																		(۴-خ)
																		(۵-خ)
																		(۶-خ)
																		(۱-د)
																		(۲-د)
																		(۳-د)
																		(۴-د)
																		(۵-د)
																		(۶-د)
																		(۷-د)
																		(۸-د)
																		(۹-د)
																		(۱-ذ)
																		(۲-ذ)
																		(۳-ذ)
																		(۴-ذ)
																		(۵-ذ)
																		(۶-ذ)
																		(۷-ذ)
																		(۸-ذ)
																		(۹-ذ)
																		(۱۰-ذ)
																		(۱-ر)
																		(۲-ر)
																		(۳-ر)
																		(۴-ر)
																		(۵-ر)
																		(۱-ز)
																		(۲-ز)
																		(۳-ز)
																		(۴-ز)



ادامه جدول ۳. ارتباط مولفه های کیفیت محیطی با پدیداری / عدم پدیداری در عرصه های عمومی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

•																		(۵-ز)
•																		(۶-ز)
										•							•	(۷-ز)
•																		(۸-ز)
•																		(۱-س)
•																		(۲-س)
•																		(۳-س)
•																		(۴-س)
•																		(۵-س)
•																		(۶-س)
•																		(۷-س)
•																		(۱-ش)
•																		(۲-ش)
•																		(۳-ش)
•																		(۴-ش)
•																		(۵-ش)
•																		(۶-ش)
	•																	(۷-ش)
																	•	(۸-ش)
			•															(۱-ط)
																•		(۲-ط)
																		(۳-ط)
•																		(۴-ط)
																		(۵-ط)
•																		(۶-ط)
																		(۷-ط)
•																		(۱-ظ)
•																		(۲-ظ)
																		(۳-ظ)
•																		(۴-ظ)
•																		(۵-ظ)
•																		(۶-ظ)
																		(۷-ظ)
•																		(۸-ظ)
•																		(۹-ظ)
•																		(۱۰-ظ)
•																		(۱۱-ظ)
•																		(۱۲-ظ)
•																		(۱۳-ظ)
•																		(۱-ع)
•																		(۲-ع)
•																		(۳-ع)
•																		(۴-ع)

ادامه جدول ۳. ارتباط مولفه های کیفیت محیطی با پدیداری / عدم پدیداری در عرصه های عمومی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

•																		(۵-ع)
•																		(۱-غ)
•																		(۲-غ)
		•																(۳-غ)
•																		(۴-غ)
•																		(۵-غ)
•																		(۶-غ)
•																		(۱-ف)
									•									(۲-ف)
•																		(۳-ف)
•																		(۴-ف)
				•											•			(۵-ف)
				•														(۶-ف)
•																		(۷-ف)
•																		(۸-ف)
																		(۹-ف)
•										•								(۱۰-ف)
•																		(۱-ق)
•																		(۲-ق)
•																		(۳-ق)
•																		(۴-ق)
																		(۵-ق)
•																		(۶-ق)
•																		(۷-ق)
•																		(۸-ق)
																		(۱-ک)
			•	•														(۲-ک)
•																		(۳-ک)
																		(۴-ک)
•																		(۵-ک)
																		(۶-ک)

نتیجه گیری و جمع بندی

باید توجه داشت که مبنای دموکراتیک شدن فضاهای شهری تنها از طریق امکان دهی به عرصه های عمومی شهر ممکن می شود؛ عرصه هایی که حوزه عمومی، حوزه ای واقع در میان جامعه مدنی و دولت است و فضای طرح آزاد مسائل عمومی و استدلال و تحقیق درباره آنها و نهایتاً تکوین اراده عمومی را تشکیل می دهد. حوزه عمومی در مقابل عرصه آمریت، عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی، متضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی تواند در خارج از حوزه عمومی یعنی در عرصه قدرت به صورت قانع کننده ای مدعی شناخت بهتر خیر و صلاح جامعه باشد. حوزه عمومی آنچه را که ماهیتاً عمومی است از عرصه های بسته و خصوصی و منفعت رهایی می بخشد. پرسشهایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جز آن چیست تنها در حوزه عمومی هر جامعه خاص ممکن است پاسخ داده شده و مورد پذیرش و باور قرار گیرد. همچنین باید گفت که این موارد مطروحه در تحقیق، تنها هنجارهای کیفیت محیطی مرتبط با مولفه های کالبدی شهر است؛ حال آنکه شهر ترکیبی از معنا، فعالیت و کالبد تعریف شده است. در پایان می توان گفت که مولفه های کیفیت محیط که ارتباط با عرصه های عمومی و پدیداری آنها دارند؛ در قالب جدول ۳ می باشند.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۲) گستره همگانی در نگرش انتقادی هابرماس، مجله گفتگو، شماره ۱.
۲. ایروانی، محمود و خدایناهی، محمدکریم (۱۳۸۱) روان شناسی احساس و ادراک، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
۳. بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بحرینی، حسین و طیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
۵. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری،

انتشارات دانشگاه تهران.

۶. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
۷. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۹. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۰. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۱۱. پرتوی، پروین (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنر های زیبا، ش ۱۴، تهران.
۱۲. پوپر، کارل (۱۳۶۴) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۱۳. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صفا، سال ۱۶، شماره ۴۵.
۱۴. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.
۱۵. توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۶. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۱۷. جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

۱۹. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.

۲۰. رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) فلسفه و دموکراسی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی ایران.

۲۱. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۷۸) فرم در معماری، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.

۲۲. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۸۱) گفت و گویی درباره زبان و تکنیک، معمار، شماره ۱۷.

۲۳. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.

۲۴. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.

۲۵. گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.

۲۶. گهل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، ترجمه شیمای صستی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۲۷. لنگ جان (۱۳۸۵) طراحی شهری، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۸. لنگ، جان (۱۳۷۹) آفرینش نظریه های معماری، ترجمه علی رضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۹. لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۰. لینچ، کوین (۱۳۷۸) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۱. لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۲. مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی- مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

۳۳. مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷) روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۳۴. مدنی پور، علی (۱۳۸۱) تهران، ظهور یک کلانشهر، ترجمه حمید زرازوند، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

۳۵. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۶) بازخوانی هابرماس، نشر چشمه، چاپ دوم، تهران.

۳۶. هابرماس، یورگن (۱۳۸۱) سیطره عمومی، ترجمه: هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۰.

۳۷. هانا آرنه (۱۳۸۵) فصلنامه بخارا، ویژه نامه هانا آرنه، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۸۵.

۳۸. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹)، ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط؛ مدیریت شهری ۲۵، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.

39. Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press

40. DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London

41. Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON

42. Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59



پروژه‌های پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۲ پاییز ۹۲

No.32 Autumn 2013